



انسان هدایتی قوی‌تر و عمیق‌تر از هدایت عقل لازم دارد

آیات قرآن همان قطره‌قطره‌های بارانند که از دریای دانش الهی برخاسته و بر قلب آسمانی پیامبر فرود آمده تا دانه‌های وجود آدمیان را حیات بخشد.

آیات قرآن همان قطره قطره‌های بارانند که از دریای دانش الهی برخاسته و بر قلب آسمانی پیامبر فرود آمده تا دانه‌های وجود آدمیان را حیات بخشد.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: انسان در طول تاریخ، تمام همتش پاسخ به نیازهایش بوده، چرا که انسان ذاتاً موجودی نیازمند آفریده شده است. خطر مهلکی که در کمین انسان است، از یک سو تشخیص نادرست نیازهایش است و از سوی دیگر تجویز پاسخ‌های نادرست به این نیازها. ارمغان انبیای الهی برای عبور دادن انسان‌ها از این گردنه پرخطر، چیزی نیست مگر تعالیمی از جنس وحی الهی؛ قرآن کریم آن تحفه گران‌بهای بی نظیر شفابخش هدایت‌کننده‌ای است که به واسطه حضرت محمد (ص) از طرف خدای متعال برای انسان فرستاده شده است. انسان به سرمنزل آرامش، اطمینان و رضایت مندی در این دنیا نمی‌رسد مگر به واسطه استمداد و بهره‌مندی عملی از این کتاب با عظمت.

قرآن کریم، حقایقی را به انسان تعلیم می‌دهد که انسان قرن بیست و یکم، با وجود تمام پیشرفت‌های مادی بشری که به دست آورده است هیچ‌گاه نتواند و امکان دانستن آن‌ها را نداشته و ندارد، حقایقی که اگر برای انسان آشکار شود و به آن‌ها عمل کند، سبب قدرتمندی و رستگاری‌اش می‌شود. لذا فقط کسانی می‌توانند از گمراهی آشکار خارج شوند و به سوی تباهی نروند، که مورد تعلیم کتاب خدا قرار گرفته باشند. قرآن، کتاب حکیم، کتاب کریم و کتاب هدایتی است که هرکسی با آن نشست و برخاست نماید، بینایی او افزوده می‌شود و قلب او به نور هدایت روشن و توانش برای پیمودن راه حق مضاعف می‌شود.

بهره‌مندی از قرآن، فقط با انس و ارتباط مداوم با این چشمه نورانی است که محقق می‌شود. حفظ قرآن شاید جز بهترین راهکارهای ایجاد انس و ارتباط مداوم با قرآن کریم باشد. حفظ قرآن اگر همراه با فهم و استفاده مکرر آیات در زندگی باشد، می‌تواند بهانه انس بیشتر ما با قرآن کریم شود. باید تلاش شود تا حفظ قرآن کریم مقدمه جاری شدن قرآن در صحنه‌های گوناگون زندگی یکایک انسان‌ها شود. متن زیر حاصل تلاش دارالقرآن کریم برای تبیین و همچنین حفظ موضوعی آیات قرآن کریم است که در روزهای ماه مبارک رمضان تقدیم نگاه شما می‌شود.

آنچه در ادامه می‌خوانید بخش سیزدهم مجموعه «زندگی با آیه‌ها» برگرفته از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن حضرت آیت الله خامنه‌ای است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

ترجمه تدبری آیه ۱ ابراهیم

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ» این قرآن، کتابی است که به تو نازل کردیم. «لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» تا تو بتوانی به اجازه و کمک پروردگار این مردم، آن‌ها را از تاریکی‌های جهل خارج کنی و به نور رهنمون سازی. فایده نور، روشن کردن مسیر است و نتیجه تاریکی، این است که انسان نداند چه باید بکند و کجا برود! برای اینکه بدانیم به چه سمتی باید برویم، به وحی الهی نیاز داریم. قرآن، همان نور هدایت‌کننده از طرف خدای متعال است. «إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» این نور، مردم را به راه خداوندی هدایت می‌کند که همیشه شکست‌ناپذیر ستودنی است. این مسیر هم بی نقص است و اگر همه جمع شوند، نمی‌توانند مانع رسیدن رونده این مسیر به مقصد شوند.

قطره‌های حیات بخش

دانه‌ها، بذرها، هسته‌ها زیر خاکند، آنجا تاریکی در تاریکی است. آنچه باعث می‌شود این دانه‌ها زنده شوند و از دل آن همه تاریکی و تنگنا بیرون بزنند و به فضای نورانی و روشنایی برسند، همان قطره قطره‌های بارانی است که از آسمان فرو می‌بارد. یک کار باران همین است، می‌بارد تا دانه‌ها را حیات بخشد و از تاریکی‌ها به نور برساند؛ البته دانه‌هایی که باران را بپذیرند و در وجود خود جای داده و جاری کنند، وگرنه دانه‌هایی که به باران نرسند، یا باران به آن‌ها نرسد، یا برسد اما دریافت نکنند، در

همان تاریکی ها می مانند و می پوسند.

حال قصه ما آدم ها حکایت همان دانه هاست که اسیر این دنیای خاکی و پر ظلمتیم. و آیات قرآن نیز همان قطره قطره های بارانند که از دریای دانش الهی برخاسته و بر قلب آسمانی پیامبر فرود آمده تا دانه های وجود آدمیان را حیات بخشد و از تاریکی های نادانی و کفر و ظلم و فساد و گناه و پراکندگی بیرون بکشد و به عالم نور یعنی نور دانش، نور ایمان، نور صلاح و نور وحدت و یکپارچگی برساند. بنابراین آدمی منهای پیامبر وصف و حکایت دانه بی باران را دارد.

روز باران است می رو تا به شب // نه از این باران، از آن باران رب

فراتر از عقل و دانش بشری

نیوت یکی از اصول همه ادیان است، اگر بشود به آن گفت اصلی از اصول دین، بلکه بالاتر باید گفت. اینکه عرض کردیم اگر بشود گفت اصلی از اصول دین، نه به این معناست که اصل بودنش را کسی انکار نکند، نه؛ بلکه بالاتر از اصل، اصلاً دین بدون اعتقاد به نیوت معنایی ندارد. دین یعنی آن برنامه ای، آن مسلکی، آن مکتبی، آئینی که به وسیله پیام آوری از طرف خدای متعال رسیده، پس پیام آور و از سوی خدا آمدن، این جز عناصر ذاتی دین است. اصلاً قوام دین به این است. [۱]

چرا باید پیامبری باشد؟ چرا باید کسی از سوی پروردگار، کمر به هدایت انسان ببندد؟ مگر خود انسان نمی تواند؟ مگر دانش بشری و اندیشه انسانی کافی نیست؟ پیغمبر چرا؟ پیام آوری میان غیب و شهود چرا؟ [۲]

درباره فلسفه نیوت، خیلی صحبت نمی کنیم. یک کلمه است و آن یک کلمه این است که حواس انسان، غرایز انسان و خرد انسان، برای راهبری و دستگیری انسان کم اند. یک سلسله موجودات با حواسشان ممکن است اداره بشوند. بعضی از حیوانات را شاید به این صورت سراغ داریم که این ها فقط از حواس خودشان مایه می گیرند؛ حواس ظاهری. [۳]

[اما انسان به] یک نیرویی بالاتر، یک هدایتی قوی تر و عمیق تر از هدایت حس، از هدایت غریزه، از هدایت عقل لازم دارد. این هدایت می آید چه کار می کند؟ می آید با حس شما رقابت می کند؟ می آید با غریزه شما مخالفت می کند؟ می آید سر عقل را به سنگ می زند؟ ابد. او می آید تا عقل را راهنمایی کند، تا عقل را پرورش بدهد، تا عقل دفن شده را از زیر خوارها خاک بیرون بیاورد [۴]. فرعون دوست نمی دارد که مردم دارای عقل باشند، دوست نمی دارد که انسان ها بفهمند؛ چون اگر بفهمند، او وجودش باطل و افسانه خواهد شد. [۵]

پس دین می آید برای چه؟ برای هدایت عقل. برای دست گیری عقل، عقل هست، اما وقتی هوس در کنارش باشد، نمی تواند درست قضاوت کند. عقل هست، ولی وقتی طمع پهلو به پهلویش باشد، نمی تواند درست ببیند. وقتی غرض در کنارش است، نمی تواند درست بفهمد. دین می آید هوس ها را، هواها را، طمع ها را، ترس ها را، غرض ها را از عقل می گیرد. عقل سالم کامل را تقویت می کند، تأیید می کند تا او خوب بفهمد. [۶]

[۱] طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۱۴، ص ۳۸۳.

[۲] همان، جلسه ۱۴، ص ۳۸۶.

[۳] همان، جلسه ۱۴، ص ۳۸۷.

[۴] همان، جلسه ۱۴، ص ۳۹۱.

[۵] همان، جلسه ۱۴، ص ۳۹۲.

[۶] همان، جلسه ۱۴، ص ۳۹۵.